

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه  
۲۱ می ۲۰۲۲



یونس نگاه

## برای چه برزمیم؟ (ب) برای استقلال برزمیم!



اندیشیدن به دوران پس از طالبان به اندازه مبارزه با این گروه مهم است. اگر مسیر مبارزه را درست انتخاب کنیم، کار گذار از این مرحله سهل تر می گردد و مأموریت ما برای ساختن حکومت دموکراتیک نیز مؤثرتر می شود. در ماه های اخیر که سخت گیری طالبان افزایش یافت، اعلان عفو دروغ ثابت شد و حلقه محدودیت ها بر زنان به حد بستن مکتب، تحمیل برقع و ممانعت از گشت و گذار تنگ گردید، تحرکات علیه طالبان نیز افزایش یافت. جبهات و محافل تازه برای مبارزه نظامی و سیاسی شکل گرفتند. حال رابطه افغان های مخالف طالب با کشورهای قدرتمند و مفهوم استقلال در فردای آزادی از شر طالبان در محافل روشن فکری و رسانه ها بحث می شود، و توده مردم نیز با توجه به تجربه تلخ دست به دست شدن کشور بین نفوذ شوروی سابق، کشورهای همسایه، و امریکا و همپیمان هایش دچار تردید هستند و نمی دانند اگر به طالبان بیعت نکنند به کجا پناه ببرند.

در چهل سال گذشته مفهوم استقلال در افغانستان تغییر کرده و به تدریج آن درک ایده آل جایش را به برداشت واقع بینانه، تسلیم طلبانه و نامیدانه داده است. گروهی از وطن داران بعد از این همه قربانی که هر بار به تهاجم یک قدرت دیگر و اشغال تازه منتهی شد، دیگر به استقلال باور ندارند و از تلاش های ملی برای ساختن کشوری که بر سیاست داخلی و

خارجی خود حاکم باشد، ناامید شده‌اند و می‌گویند که صلح، امنیت، کار و آزادی‌های مدنی نسبی از هر راهی که میسر باشد، خوب است. گروه دیگر به‌خصوص در میان نخبگان سیاسی و فرهنگی تن به تسلیم‌طلبی داده‌اند و می‌گویند استقلال در این عصر برای کشوری چون افغانستان دست‌یافتنی نیست. ما مجبوریم به یک یا چند کشور خارجی تکیه کنیم تا از استبداد داخلی و حاکمیت نیروهای بدوی نجات یابیم. در میان سیاست‌مداران مخالف طالب از این جمع بسیارند و همین اکنون مشغول جست‌وجوی حمایت خارجی برای «مبارزه» با طالب‌اند. کمبود کلان این رویکرد نبود برنامه برای عبور از دوران دوستی/نفوذ خارجی است. در روش تسلیم‌طلبانه، سیاست‌مداران مثل تاجران بیشتر به بازدهی مالی، گروهی و در بهترین حالت سمتی و قومی پروژه نگاه می‌کنند و در طرح و برنامه‌ریزی آن سهم ندارند. مثل سیاست‌مداران شامل در پروسه بن، این جمع در چارچوبی که زورمندان خارجی طرح می‌کنند، مشغول چانه‌زنی و «حق‌خواهی» می‌شوند، باهم رقابت می‌کنند و از طراحان مزد بیشتر می‌طلبند. این رویکرد در کودتای هفت ثور، فاجعه هشت ثور، امارت اول طالبان، فریب بن و امارت دوم آن گروه اشتباه ثابت شد. دخالت، دوستی، اشغال، تهاجم یا هر نامی که بگذارید به دلیل آن‌که طرف‌های داخلی برخورد تسلیم‌طلبانه به دوستان خارجی خود داشتند، منجر به ثبات و صلح نشد و در نتیجه آزادی و رفاه نیز دور از دسترس ماند.

اما یک انتخاب دیگر هم وجود دارد: برخورد واقع‌بینانه با استقلال. در شرایطی که حتا رهبر طالبان که افغانستان را بریده از جهان می‌خواهد، در پیام عیدی اخیرش اذعان کرده بود که جهان همچو یک قریه کوچک و هم‌بسته است، تحقق انتظارات قرن بیستمی از استقلال ممکن نیست و افغان‌ها مثل سایر ملت‌های دچار منازعه و جنگ باید نقش بازیگران خارجی را در تعیین وضعیت میدان سیاست داخلی به رسمیت بشناسند، اما در عین حال نباید به مجریان بی‌صلاحیت پروژه خارجی‌ان بدل گردند. ما باید تعریف بومی اما مناسب وضعیت امروز افغانستان را از استقلال به‌دست دهیم تا بازیگر فعال و صاحب صلاحیت در سرنوشت کشور خود باشیم.

\*\*\*\*\*

### استقلال چیست و برای دستیابی به آن چه باید کرد؟

هر وقت صحبت از استقلال و آزادی می‌شود، نمی‌توانیم از مشروطه‌خواهان و شاه امان‌الله خان یاد نکنیم. دیدگاه شاه امان‌الله در مورد استقلال را در سخنرانی‌ها و اسنادی که از زمان او برجای مانده است، می‌توان دریافت. یکی از این اسناد جملاتی است که در سال ۱۹۱۹ پس از اعلام استقلال، در حضور سفیر انگلیس گفته بود. به نقل از کتاب تاریخ روابط سیاسی افغانستان، امان‌الله گفته بود: «بعد از این کشور ما مانند سایر دول و قدرت‌های جهان، آزاد است و به‌هیچ نیروئی به اندازه سر موئی اجازه داده نمی‌شود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله نماید. اگر کسی به چنین امری اقدام کند، گردنش را با این شمشیر خواهیم زد!» {۱} در کتاب یادشده، آمده است که امان‌الله بعد از آن رو به جانب سفیر انگلیس کرده پرسید: «آنچه را گفتم، فهمیدی؟» سفیر انگلیس با احترام و تعظیم جواب داد: «بلی، فهمیدم.» چیزی را که امان‌الله در سال ۱۹۱۹ گفته بود، اکنون شعار به نظر می‌رسد. همان‌طوری که در زمان خود او و پس از آن ثابت شد، کشورهای فقیر و عقب‌مانده‌ای چون افغانستان نمی‌توانند مثل قدرت‌های بزرگ جهان آزاد باشند. هر کشور به اندازه توان اقتصادی، قدرت سیاسی و نظامی‌اش آزاد است. استقلال کامل و درحدی که هیچ نیروئی به اندازه سر موئی به امور داخلی و خارجی افغانستان دخالت نتواند، نه در زمان امان‌الله ممکن شد و نه امروز عملی است. خلاف آن‌چه امان‌الله گفته بود، گردن مداخله‌گران را نمی‌توان با شمشیر زد، زیرا مداخله مکانیسم پیچیده دارد و با شمشیر رفع شدنی نیست.

اگر پرده عواطف و احساسات را از آن جملات امان‌الله دور کنیم، لب کلام او این است که ما مثل کشورهای دیگر می‌خواهیم آزاد باشیم تا سیاست‌های داخلی و خارجی را تعیین کنیم. استقلال امروز نیز همین معنا را دارد. داشتن آزادی داخلی مهم‌ترین عنصر استقلال است. بیست سال حضور امریکا و ناتو در افغانستان درس مهمی در این زمینه داشت و اهمیت آزادی در تعیین سیاست‌های داخلی را به تجربه برای نسل ما ثابت ساخت. حکومت‌های افغانستان در آن مدت در تعیین بودجه، پلان جنگ، برنامه صلح، انتخابات، ساختن قوانین و پالیسی‌ها، کنترل میدان‌های هوایی و مرزهای کشور با محدودیت‌های بیشتر از روابط دیپلماتیک و سیاست خارجی روبه‌رو بودند. دولت افغانستان می‌توانست در جنگ خاورمیانه اظهار بی‌طرفی کند، از ایران حمایت‌های دیپلماتیک و مالی دریافت نماید و به شرکت‌های چینی قرارداد‌های بزرگ معادن را بپردازد؛ اما نمی‌توانست مانع طیاره‌هایی شود که نیروهای شورشی را از جنوب به شمال انتقال می‌داد، یا بپرسد که در زندان بگرام چه جریان دارد، فلان عروسی چرا بمباران شد و فلان قومندان چرا بدون اطلاع دولت افغانستان از سفارت شما بودجه مستقل دریافت می‌کند. نبود آزادی در سیاست‌گذاری داخلی و امور اداری و نظامی کشور بزرگ‌ترین ضعف حکومت‌های بیست سال اخیر بود.

گروه طالبان که با توافق امریکا و حمایت پاکستان به کابل برگشته است، نسبت به حاکمیت بیست سال گذشته در امور داخلی آزادی عمل بیشتر تبارز داده، اما از استقلال در امور خارجی محروم است. پاکستان، تکیه‌گاه اصلی طالبان، ابزار کافی برای کنترل سیاست‌های داخلی آن گروه ندارد؛ یعنی نمی‌تواند بودجه امارت را پرداخت کند و برای قومندانان و رهبران محلی طالبان دموستگاه مستقل بسازد. از این رو، طالبان براساس دساتیر ایدئولوژی خود عمل می‌کنند (مکتب را می‌بندند، زنان را از عرصه اقتصاد، سیاست، تعلیم و اداره حذف می‌کنند و از حضور غیرملایان در پست‌های کلیدی جلوگیری می‌کنند). برخی از نیروهایی که در بیست سال گذشته در قدرت سهم بودند و از پروژه «دموکراتیزه‌سازی» کشور سود می‌بردند، خود به دموکراسی باور نداشتند و حتا مثل طالبان آن را منبع فساد می‌خواندند، اما به دلیل عدم استقلال در امور داخلی کاری جز آنچه تمویل‌کنندگان برنامه می‌کردند، انجام داده نمی‌توانستند.

باید برای استقلال مبارزه کنیم. به خاطر مبارزه با طالبان نباید در دام سازش‌هایی بیافتیم که سناریوی شبیه آنچه در بیست سال گذشته اتفاق افتاد، دوباره تکرار گردد. از سوی دیگر، نسبت به استقلال نگاه واقع‌بینانه داشته باشیم و تعامل با جهان را جدی بگیریم تا کشور در انزوا غرق نشود.

\*\*\*

## پاورقی

{1} دبلین ادمک، تاریخ روابط سیاسی افغانستان، ترجمه علی محمد زهما، ص ۸

\*\*\*

بخش‌های دیگر این متن را با عنوان‌های زیر در همین صفحه بخوانید:

برای چه برزمیم؟

الف) برای آزادی برزمیم

ج) برای دموکراسی و سکیولاریزم برزمیم

د) برای عدالت برزمیم

نکته پایانی